



بررسی سازمان فضایی و کالبدی محله‌های تاریخی شهر همدان در دوره قاجار و تأثیر آن‌ها بر توسعه روابط اجتماعی*

I زهرا جامه‌بزرگ^I
II آراز نجفی^{II}
III زرین فخار^{III}
IV یدالله حیدری باباکمال^{IV}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۲۲-۲۰۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.14.203

چکیده

محله‌های شهری را می‌توان کوچک‌ترین واحد کالبدی و اجتماعی و حتی قومی در بدنه سنتی شهرهای ایران به‌شمار آورد؛ با این حال، در طرح توسعه شهرها، محلات تاریخی دچار تغییرات زیادی شدند و ساختار سنتی آن‌ها به دلیل عدم انطباق با شرایط جدید به مرور فرسوده شده و کارایی خود را از دست داده‌اند، این امر منجر به کاهش سطح ارتباط ساکنان با یکدیگر شده است. شهر همدان از شهرهای مهم غرب ایران در دوران اسلامی است که پیشینه ساختار شهری آن به پیش از اسلام بازمی‌گردد. جدای از هرگونه ضوابط مرزبندی میان محله‌ها، توجه به اهمیت جدایی‌گزینی آن‌ها در بدنه شهرهای ایران، به‌ویژه در دوره شتابان شهرنشینی و گسستگی نظام تعاملی بین اجزای بدنه شهرها، از دید مدیریت شهری و باززنده‌سازی قدرت عملکردی محله‌ها، شایان توجه زیادی است. از آنجایی‌که فضای محله‌های شهر همدان در قرون متأخر اسلامی، به صورت منسجم مطالعه نشده، پژوهش حاضر در تلاش است تا با استفاده از شواهد تاریخی و معماری موجود، ساختار کالبدی محله‌های شهر همدان و عناصر اصلی در شکل‌گیری محله‌ها را معرفی کند. بر مبنای هدف یادشده، پرسش اصلی پژوهش عبارتست از: ساختار کالبدی و الگوی فضایی محله‌های تاریخی شهر همدان چگونه است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از محلات همدان در دوره قاجار به صورت تدریجی به دو شکل خطی و دایره‌ای شکل یافته‌اند. در ساختار کالبدی محله‌های همدان عناصری شکل گرفته که در برآورد نیازهای اولیه ساکنین محله، تقویت حس مکان و ارتقای همبستگی آن‌ها نقش مهمی داشته است؛ از آن جمله می‌توان به: مسجد، حمام، چمن، اما مزاده، چشمه، سردابه، کاروانسرا اشاره کرد. در این میان مساجد محله‌ای، محور اصلی مرکز محله و مهم‌ترین عنصر ساختاری هر محله را به خود اختصاص می‌داده است.

کلیدواژگان: همدان، دوره قاجار، سازمان فضایی، مساجد محله‌ای، توسعه روابط اجتماعی.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

II. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول).

Araz.najafi@vatanmail.ir

III. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

IV. استادیار گروه مرمت و باستان‌سنجی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری زهرا جامه‌بزرگ، به راهنمایی آراز نجفی و زرین فخار با عنوان: «بررسی ویژگی‌های کالبدی مرکز محله‌ها (چمن) در استان همدان» است که در گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر انجام پذیرفته است.

مقدمه

محلّات تاریخی به‌عنوان کانون اولیه زیست ساکنان شهرها، نقش تأثیرگذاری در حیات شهروندان داشته و یادآور خاطرات جمعی و هویت ساکنان هستند. در گذشته، ساکنان محله‌ها با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند و محله بخشی از ساختار فضایی شهری محسوب می‌شده است. در این محله‌ها حضور فیزیکی ساکنان محدود نبوده و سکونت در این واحد با احساس هویت همراه بوده است. با طرح توسعه شهرها ساختار سنتی محلّات قدیمی دچار تغییرات زیادی شد و به مرور زمان کارایی خود را از دست داده است؛ با این حال، آنچه ما امروزه شاهد آن هستیم کاهش سطح ارتباط ساکنان با یکدیگر است که نسبت به گذشته بسیار کم‌رنگ شده است. در شهر همدان، گسترش محلّات با توجه به ساختارهای مذهبی بوده و تمرکز ساختار فضایی حول محور مسجد یا امامزاده، یک مجموع را تشکیل می‌داده است. این عناصر بازتابی از اوضاع اجتماعی و ساختار معماری محلّات در دوره قاجار را نشان می‌دهند. محله از ارکان اصلی کالبد شهر بوده و تعادل زندگی اجتماعی در شهرها بستگی به حفظ محله‌ها دارد؛ در دوره قاجار، همدان دارای محله‌ها و آبادی‌های فراوانی بوده و نزدیک به ۳۰ کوی و محله به اشکال مختلف داشته است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۳). به‌طور کلی محلّات سنتی ایران با ویژگی‌هایی همچون: وجود سلسله‌مراتب فضایی در ساختار محله، حفظ حریم در بافت و ایجاد ورودی‌های تعریف شده در ابتدای هر محله، نظام تقریباً مستقلی از نظر اقتصادی، خدماتی و اجتماعی ایجاد می‌کردند. وجود امکانات در مراکز محلّات، نزدیکی محل کار به محل سکونت در هر محله، عدم حضور خودروها در سطح محلّات و دسترسی پیاده به همه قسمت‌های آن، منجر به افزایش حس همبستگی در سطح محله می‌شد. این موضوع همچنین سبب حضور ساکنان در عرصه عمومی محله، ایجاد تعاملات اجتماعی در میان آن‌ها در نتیجه بالا رفتن حس تعلق خاطر به محله و عدم مهاجرت به محلّات دیگر شهر می‌شد؛ از طرفی حضور افراد و شناخت متقابل آن‌ها از یکدیگر، منجر به از بین رفتن بستر رفتارهای مجرمانه در سطح محله و احساس امنیت بالا در میان ساکنین بوده است. حفظ و تقویت عوامل خاطره‌انگیزی همچون مساجد و امامزاده‌ها، از تنش‌های روانی انسان سنتی کاسته و احساس تعلق و ریشه‌دار بودن را در وی رشد داده است. شهر همدان به‌عنوان نمونه موردی در این نوشتار بستری با بار تأملی فراوان در نظام شکل‌گیری شهری خود است. همدان به‌واسطه تاریخ پرفرازونشیب و بافت طبیعی به جای مانده در قسمت‌های مختلف خود و طبیعتی که هنوز با آن در حال دادوستد بوده، نمونه بارزی از شکل‌گیری یک شهر با محلّات متنوع است. در این پژوهش، چگونگی روند شکل‌گیری و ساختار فضایی محلّات در بافت شهری همدان دوره قاجار بررسی شده است؛ به عبارتی در پژوهش حاضر، ساختار کالبدی محله‌های شهر همدان معرفی و عناصر شکل‌دهنده به محله‌های موجود مطالعه می‌شوند.

پرسش‌های پژوهش: با توجه به اهداف یادشده مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش پیش‌رو عبارتند از: ۱. ساختار کالبدی و سازماندهی محله‌های تاریخی شهر همدان چگونه بوده است؟ ۲.

الگوهای فضایی حاکم بر محله‌های همدان از چه مکانیسمی تبعیت می‌کند؟

روش پژوهش: این پژوهش به جست‌وجو درباره ساختار کالبدی و نقش عناصر شاخص محله‌های شهر همدان می‌پردازد و به‌منظور دستیابی به این معیارها از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی بهره گرفته شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد که با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته، در این راستا از مرور معتبرترین منابع پیرامون موضوع استفاده شده است. روش به‌کاررفته در پژوهش حاضر استفاده از اسناد و مدارک دست اول و مطالعه تطبیقی با شواهد موجود است؛ از طرفی با رجوع به نگاشته‌های مورخان و گزارش‌های تاریخی سعی در رسیدن به نتایج مطلوب و تحلیل‌های منسجم دارد.

گردآوری داده‌های پژوهش برپایه سه روش بررسی اسنادی، مصاحبه با افراد ساکن در محله‌ها و مشاهده نوع بافت و معماری هر یک از محله‌ها به انجام رسیده است.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری درخصوص شکل‌گیری شهر همدان و ساختار فضایی آن، مقالات و انتشاراتی داشته‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها در قالب مطالعات معماری، طراحی شهری و یا مردم‌شناسی شهر همدان است. «نصرالله آژنگ» در پژوهشی با نام: «نام کوچه‌ها، محله‌ها و خیابان‌های قدیمی همدان» در سال ۱۳۸۷ ه. ش. به بررسی وجه تسمیه و ویژگی‌های مردم‌شناسی محلات همدان می‌پردازد. «محمدابراهیم زارعی» در مقاله‌ای با عنوان: «ساختار کالبدی-فضایی شهر همدان از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس مدارک و شواهد موجود» در سال ۱۳۹۰ ه. ش. به بررسی ساختارهای اقتصادی، حکومتی، بازرگانی و مذهبی شهر همدان از ابتدای دوران اسلامی تا زمان معاصر می‌پردازد، که در آن اشاره‌ای به ساختار محلات شهر همدان شده است. «مریم غلامی» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری با عنوان: «طراحی مرکز محله در بافت تاریخی همدان» در سال ۱۳۹۱ ه. ش.، به ارائه طرحی برای احیاء بافت محلات تاریخی همدان پرداخته است. در پژوهشی از «امیرحسین فرشچیان» و «آزیتا بلالی اسکویی» در سال ۱۳۹۴ ه. ش. با عنوان «نمود هندسه ادراکی بر سیر تکامل شهر ایرانی در ادوار مختلف شهرسازی مطالعه موردی: شهر همدان» به شرح و تفصیل چگونگی و نحوه شکل‌گیری هندسه شهر همدان و ارتباط آن با چمن‌ها با توجه به نمایش گرافیکی ادوار گوناگون این موضوع تا زمان معاصر پرداخته است. «حسن سجاذزاده» و «سجاد زلفی‌گل» در سال ۱۳۹۴ ه. ش. در مقاله‌ای با عنوان: «طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه، نمونه موردی: محله کلیا همدان» به بازآفرینی و تزریق روحی محلات سنتی شهر همدان برای حضور مردم بیشتر با استفاده از محرک توسعه پرداخته‌اند. در مقاله دیگری از «اسدالله نقدی» و همکاران در سال ۱۳۹۵ ه. ش. با عنوان: «نقش سرمایه‌های اجتماعی در دبستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه موردی: محلات شهر همدان)» با تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی یک مکان، فرآیند دبستگی مکانی افراد نسبت به محله‌ها را مطالعه کرده‌اند. در پژوهش دیگری از «حسن سجاذزاده» و همکاران در سال ۱۳۹۵ ه. ش. با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در کیفیت بخشی به مساجد محلی ایران (نمونه موردی: مسجد چمن چوپانان، مسجد شالبافان و مسجد کولانج شهر همدان)» سه عامل مکان‌یابی، تلفیق کاربری مسجد با سایر کاربری‌های عمومی و تداوم زمانی استفاده از مسجد به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت بخشی به مساجد بررسی شده‌اند. «سعید علی تاجر» و «مینا صحرایی» در سال ۱۳۹۶ ه. ش. در پژوهشی با عنوان: «تحلیل مفهوم انسجام ساختار فضایی در محله‌های تاریخی با روش نحو فضا (نمونه موردی: محله‌های تاریخی شهر همدان)» با هدف تحلیل مفهوم انسجام و عوامل زمینه‌ساز آن در معماری و شهرسازی کهن ایرانی-اسلامی و با استفاده از روش نحو فضا به بررسی این ویژگی در چهار محله تاریخی شهر همدان پرداخته‌اند. با وجود تمامی انتشارات یادشده، پژوهش پیش‌رو با رویکرد تحلیل فضاهای محلات تاریخی شهر همدان دوره قاجار و معرفی عناصر کالبدی و ویژگی‌های ساختاری آن‌ها، از اولین نمونه‌هایی است که در این زمینه به انجام رسیده است.

عناصر غالب در ساخت کالبدی محله‌های شهری

هر محله با توجه با ساکنان آن، ممکن است هویت صنفی، فرهنگی، مذهبی، قومی و یا اقتصادی داشته باشد؛ این هویت منجر به تمایز محله‌های هر شهر در تاریخ دوران اسلامی شده است، به همین منظور، عناصر ساختاری مشخصی در تشکیل محلات مؤثر بودند که به اختصار بیان می‌شوند.

واحد‌های مسکونی

محل‌های شهرهای ایرانی، متشکل از خانه‌هایی بود که به‌عنوان یک سلول تشکیل دهنده شهری، بافت آن را پدید می‌آورند. هر سلول (خانه) به‌عنوان واحدی اجتماعی در رابطه مستقیم با محله و شهر عمل می‌کرده است. هر دو بخش بیرونی و درونی یک واحد مسکونی در رابطه با بخش خدمات، دارای چنین خصوصیتی بودند. در هر واحد مسکونی، بیرون، محل فعالیت مردخانه و اندرونی محل زندگی، خلوت، خوابیدن و استراحت و آشپزی است. ارتباط این دو فضا از طریق هشتی برقرار می‌شد (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۹۲). واحد‌های مسکونی شهرهای ایران بر اثر عوامل مختلفی مانند: آداب و رسوم رایج بین خانواده‌ها، مصالح به‌کاررفته در ساختمان‌ها و نوع خانه‌های مسکونی، آب‌وهوا، مسائل مالی، وسعت شهر، چگونگی جای‌گیری محله‌های مسکونی در کل مجموعه شهر و روابط مرکز محله‌های مسکونی با بازار شهر، شکل‌گرفته‌اند (فلامکی، ۱۳۶۵: ۷۵).

گذرگاه‌ها و راه‌ها

راه‌های هر محله به ساکنین آن بیش از سایرین تعلق داشت و آنان خود را محق می‌دانستند که در ایام ناامنی و جدال از ورود ساکنین محله‌های متخاصم به محله خود جلوگیری کنند. در حقیقت، ساکنین هر واحد مسکونی ابتدا خودشان را به‌صورت مشترک با همسایه‌ها، صاحب‌اختیار گذار و کوی محدوده خود و همسایه‌ها می‌دانستند، سپس در تعیین سرنوشت محله و نحوه استفاده از راه‌های محله خود سهیم می‌شدند. معمولاً در بعضی از شهرهای متوسط و بزرگ در کنار یکی از راسته‌های اصلی محله، تعدادی دکان نظیر بقالی، قصابی، نانوايي وجود داشت که این بخش از این راه را «بازارچه» می‌نامیدند (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۶۷-۶۲)؛ بدین ترتیب می‌توان گفت، راه‌های داخلی هر محله برای ساکنین آن جنبه عمومی و برای سایرین در اوقات عادی جنبه نیمه‌عمومی داشت. در گذشته فاصله و اندازه محدوده‌ای که ساکنان تعدادی خانه را به‌عنوان همسایه با یکدیگر می‌شناختند، دارای ابعاد معین و مشخصی نبود؛ بلکه به عواملی نظیر خصوصیات کاربردی و کالبدی معبری که چند واحد مسکونی در آن قرار گرفته بود و نیز خصوصیات اجتماعی و معیشتی مردم هر شهر بستگی داشت.

دروازه‌ها

در بعضی از شهرهایی که در گذشته گرفتار ناامنی و اغتشاش می‌شدند، یا میان ساکنان محله‌های آن‌ها اختلاف وجود داشت، هر محله دارای یک یا چند دروازه بود که در هنگام اغتشاش و یا در شب‌ها آن‌ها را می‌بستند تا ساکنان محله از حمله و تجاوز دیگران در امان باشند؛ همچنین در بسیاری از شهرها، معدودی از کوچه‌ها، به‌ویژه کوچه‌های بن‌بست، دری داشتند که شب‌ها آن‌ها را می‌بستند (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۳۹).

بازارچه‌های محلی

در شهرها، بازارچه‌ها نیازهای یک محله را برطرف می‌کرده است. بازارچه‌ها دکان‌هایی مربوط به خرید مردم محله داشته و برای خرید و فروش کالاهای اصلی به بازار بزرگ می‌رفتند. بازارچه‌های محلی در میدانچه‌ها در نزدیکی حمام، مسجد و تکایا احداث می‌شدند. این بازارچه‌ها در کنار معبر اصلی محله‌ها و گاهی در میدانچه مرکزی آن ایجاد می‌شدند. چنانچه بازارچه در کنار معابر اصلی قرار داشت، دکان‌ها در دو سوی معبر ساخته می‌شدند (همان). در بیشتر موارد در کنار این بازارچه‌ها بعضی از فضاها عمومی محله نظیر: مسجد، حسینیه، سقاخانه و آب‌انبار ساخته می‌شد. نحوه استقرار این فضاها در کنار یکدیگر، به‌ویژه در معبر طبیعی، دارای نظم و ترتیب ثابت و معین نبود.

مسجد

در میان اندام‌های درونی شهر و روستا، نیایشگاه جایگاه ویژه‌ای داشته و از اجزای دیگر برجسته‌تر و نمایان‌تر است و لذا در مرکز شهر یا آبادی جای می‌گیرد. اهمیت مساجد در شکل‌گیری بسیاری از محله‌های شهری در ایران به‌گونه‌ای است که به‌عنوان هسته اصلی و مهم‌ترین بنای محله در بالاترین یا بهترین نقطه محل و با بیشترین دسترسی‌ها، ایجاد می‌شد؛ البته وجود بناهای نیایشگاهی به‌عنوان مرکزی مهم در بافت شهر یا روستا، به قبل از اسلام برمی‌گردد؛ با این حال، این عنصر همواره نقش محوری در بافت محله‌های شهری، به‌ویژه پس از اسلام ایفا کرده است (همان).

حمام

حمام‌ها یا گرمابه‌های عمومی یکی از ارکان اصلی محله‌های شهرهای ایران را تشکیل می‌داده است. تأکید اسلام بر پاکیزگی، اگرچه هر فرد مسلمانی را به رعایت اصول بهداشتی دعوت می‌کرد؛ با این حال، حمام‌ها با کارکردی مشابه اماکن عمومی محلات، همانند مساجد نقش مهمی را در هویت بخشی و تقویت تعلق خاطر اهالی محله، به محله‌شان داشته است؛ چراکه با تجمع در چنین اماکنی از حوادث روز و احوالات محله و حتی شهر باخبر می‌شدند (ثابتی، ۱۳۸۴: ۱۴۵ و ۱۴۶).

حسینیه و تکیه

حسینیه‌ها در طول سوگواری امام حسین علیه السلام و ماه مبارک رمضان استفاده می‌شوند. عملکرد تکایا و حسینیه‌ها کم‌وبیش یکسان است. کالبد شهرهای تاریخی ایران بر این اصل استوار بود که بافت آن از پیوند فضایی و ارتباط منسجم بین عناصر مجموعه مرکز شهر و مراکز محله‌ها از طریق فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده‌ای چون: گذر اصلی، میدان، تکیه و حسینیه به هم مربوط می‌شدند. در طراحی شهری تکایا و حسینیه، توجه به جنبه ارتباطی و فضایی این عناصر شهری-محله‌ای بسیار حائز اهمیت است (خاکساری و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۱).

میدانچه‌های محلی

همان‌گونه که در قدیم بازارها در کنار کارکرد اقتصادی، دارای کارکردهای ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی نیز بودند، بیشتر میدان‌های اصلی نیز در کنار کارکرد و نقش ارتباطی، زمینه و فضایی برای انجام بعضی از فعالیت‌های مهم شهری و اجتماعی بودند؛ البته همه میدان‌ها در قدیم، از خصوصیات کارکردی (کالبدی) یکسانی برخوردار نبودند، بلکه برخی از میدان‌های عمومی، برخی از میدان‌های حکومتی، برخی از میدان‌های تجاری و بسیاری از میدان‌ها یا میدانچه‌های محله‌ای بسیاری از فعالیت‌ها و فضاها را در خود جای می‌دادند؛ بنابراین، همواره نوعی همجواری و پیوند بین فضاها اصلی و مهم شهری و این‌گونه میدان‌ها وجود داشت، همجواری و پیوندی که براساس الگوهای کمابیش معین استوار بود (سلطانزاده، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۰).

پیدایش محله در همدان دوره قاجار

همدان به دلیل موقعیت طبیعی، دارای پیشینه‌ای کهن از لحاظ نخستین سکونت‌گاه‌های انسانی شکل‌گرفته در ادوار پیش از تاریخ تاکنون است؛ به طوری که سابقه سکونت در این منطقه حداقل به دوره مس‌وسنگ برمی‌گردد (مترجم، ۱۳۸۳؛ محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۷؛ مترجم، ۱۳۸۹؛ رنجبران، ۱۳۹۰). باتوجه به شواهد به دست آمده، این روند بدون وقفه تا زمان معاصر ادامه داشته است. دشت وسیع و خاک حاصل‌خیز، کوهستان اطراف شهر و همچنین رودهایی مطلوب از لحاظ



نقشه ۱. تصویر هوایی شهر همدان ترسیم شده توسط روس‌ها در سال ۱۸۵۱ م. و نمایش موقعیت میدان بزرگ شهر (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸ با تغییرات نگارندگان).

تأمین آب در منطقه منجر به فراهم آمدن بستر مناسب زندگی در تمامی ادوار تاریخی شده است. شکل‌گیری این شهر کاملاً مبتنی بر عوامل طبیعی، موضوعات مذهبی، سیاسی و حتی عواملی چون: رواج بیماری‌های مهلک و دیگر موضوعات دخیل وابسته بوده (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۲۴) که با کنار هم قرار دادن این الگوها، نحوه شکل‌گیری و تداوم آن نمایان می‌شود؛ به عبارت دیگر، فرم شهر شامل روابط هندسی است که با تغییرات ایجاد شده طی قرون متمادی ایجاد شده است. می‌توان گفت، همدان از جمله شهرهایی است که اگرچه فرم هندسی آن تغییر یافته، اما طی ادوار مختلف شکل‌گیری و گسترش، بر همان زمین و مکان شکل گرفته است (زارعی، ۱۳۹۰: ۷۸)، به این معنی که شهر در اطراف رودخانه اوسجرد، تپه هگمتانه و شهر باستانی و تپه مصلی به دلیل موقعیت استقرار مناسب شکل گرفته و به سمت بازار به علت موقعیت تجاری و در جنوب به علت آب‌وهوای مناسب آن گسترش یافته است (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰۸). شواهد و مدارک موجود از شهر همدان در دوره قاجار بیشتر از ادوار قبل است؛ افرادی از قبیل: «هالینگری» (۱۳۶۳: ۷۹)، «باکینگهام» (۱۳۸۰: ۴۴۶ و ۴۴۷)، «کرزن» (۱۳۴۹: ۷۱۹)، «گروته» (۱۳۶۹: ۱۸۳) و «ظهیرالدوله» (۱۳۶۷: ۸۸)، ضمن توصیف آب‌وهوای مناسب، باغ‌های فراوان، بازار و کاروانسراها، بافت شهر را نامنظم و کوچه‌ها را بسیار تنگ و پیچ‌درپیچ توصیف کرده‌اند؛ با این حال، یکی از مستندترین و مهم‌ترین مدارک تهیه شده در اواخر دوره قاجار که آگاهی مناسبی از شهر همدان به پژوهشگران می‌دهد، نقشه و شرحی است که در سال ۱۸۵۱ م. توسط روس‌ها تهیه شده است (نقشه ۱). این نقشه وضعیت بسیاری از بناها و ساختمان‌ها را روشن می‌کند و می‌تواند مبنای شناخت ساختار اصلی شهر همدان حداقل از اواخر قاجار باشد. خرابه‌های شهر، باقی‌مانده‌های دیوارهای دفاعی، خیابان‌ها و نظام طراحی شده برای لایه‌های تاریخی را برای تدارک یک نقشه باستان‌شناسی ممکن می‌کند. در این نقشه بخش‌های تاریخی شهر منعکس شده و بر مبنای وجه ماهیت باستانی

نظام طراحی شهری همدان، حتی مقایسه آن با ساختمان‌های جدید قابل تشخیص است. در این نقشه، محدوده شهر وسیع است (۴×۲/۵ کیلومتر) و جریان آب دره مرادیگ (آلوسگرد) شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند.

در توپوگرافی تاریخی شهر، در گوشه شمال شرقی، آثار دیوار خشتی باستانی شهر حفظ شده و در گوشه جنوب شرقی بر روی تپه‌ای کوتاه آثار دیوارهای دفاعی بدون برج در شکل یک مستطیل ممتد با نام قلعه مصلی باقی مانده است. گفتنی است همدان مانند سایر شهرهای قرون میانی ایران به وسیله دیوارهای دفاعی محصور شده بود. ۱۰ دروازه از طریق راه‌های کاروان‌رو، شهر را با بسیاری از شهرهای دیگر مرتبط می‌ساخت. این درحالی‌ست که شهر به استناد نقاشی مطراچی (۱۳۷۹: ۹۹) در دوره صفوی دارای چهار دروازه، اما در دوره قاجار دارای ۱۰ دروازه بوده است. این دروازه‌ها از شمال غربی به شرق عبارت بودند از: ۱- دروازه بنه بازار به سوی (سیدآباد/اسدآباد) شهر کنگاور و کرمانشاه می‌رفت. ۲- دروازه بهار به سوی شهر (سنه) سندرگ می‌رفت. ۳- دروازه چهارباغ به سوی شهر تبریز می‌رفت. ۴- دروازه تهران به سوی تهران می‌رفت. ۵- دروازه شیرین به سوی سلطان‌آباد گلپایگان می‌رفت. ۶- دروازه سننشار به سوی بروجرد می‌رفت. ۷- دروازه‌ای به سوی شهر نهاوند می‌رفت. ۸- دروازه قلعه حاجی‌آباد به سوی نواحی اطراف کوه الوند می‌رفت. ۹- دروازه علی‌قبول یا اهل قبور به سمت تویسرکان، کنگاور و کرمانشاه می‌رفت؛ و ۱۰- دروازه گنبد (مه‌ریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۳). این دروازه‌ها نشانگر وجود راه‌های ارتباطی-تجاری شهر همدان بود که هر یک به یک محله مشخص مرتبط می‌شدند (چریکف، ۱۳۷۹: ۹۸). در متن وقفنامه مدرسه بزرگ (زنگنه) همدان که از موقوفات «شیخ‌علی‌خان زنگنه»، وزیر «شاه سلیمان صفوی» (۱۰۷۷ ه.ق.) بوده، اسامی برخی راسته‌های بازارها و به‌ویژه میادین شهر همدان، مانند: میدان بزرگ، میدان میرزاکمال، میدان شاه قدیم و میدان آهنگران آمده است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۱-۱۷۰). در میان میدان‌ها، میدان بزرگ که در نقشه روس‌ها آمده با میدان بزرگ دوره صفوی منطبق است، این تغییرات ناشی از توسعه شهر یا تغییر در نام میدان‌ها بوده است. میدان‌ها به مستحدثات عمومی از جمله: مساجد، حمام‌ها، فروشگاه‌ها و مرکز محله‌های شهر متصل بوده و نقاط حمایت‌کننده ساختار طراحی شهری را تشکیل می‌دادند. با تأکید بر مسئله حیات اجتماعی، میدان‌ها بناهایی متناسب با محله‌های مسکونی به‌شمار می‌آمدند و در عین حال مرکزیتی برای معماری محله محسوب می‌شدند.

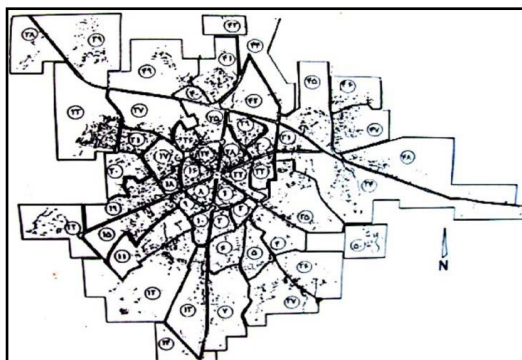
در توصیف دیگری از جکسن در سال ۱۹۰۷ م.، همدان شهری متوازی‌الاضلاع توصیف شده که از شمال به جنوب امتداد داشته است. کوه الوند در سمت جنوب قرار گرفته و مصلی یا دژ-تپه متصل به قسمت شرقی است و قسمتی از آن را تشکیل می‌دهد. شهر از نظر امور اداری به چهار ناحیه یا محله تقسیم می‌شود که هر یک توسط کدخدایی اداره می‌شده است؛ هرچند در هنگام نقشه‌برداری روس‌ها از ساختار سیاسی و اداری شهر همدان سخنی نگفته‌اند، ولی تقسیم‌بندی شهر براساس چهار ناحیه از اواخر دوره قاجار بوده است (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۱)؛ اگرچه سیاحان و سفرنامه‌نویسان دیگری نیز در همین زمان یا پیش از جکسن به همدان آمده بودند، توصیف‌های مشابهی ارائه داده‌اند؛ با این حال نکته مهم در اکثر آثار آن‌ها در این محدوده زمانی، خرابی‌هایی است که بر شهر سایه گسترده شده بود. «جیمز موریه» (۱۳۶۲: ۳۰۴) هم به این خرابی‌ها اشاره می‌کند، شهر زمانی پهناور بوده، ولی اینک توده‌ای از ویرانه‌های درهم و برهم است. راه‌هایی که به بخش‌های مسکونی می‌رود از میان یک رشته دیوارهای شکسته و ویرانه می‌گذرد، بخش‌های به‌جا مانده آن‌ها نشان می‌دهند که پیش‌تر در اینجا عمارت‌هایی بوده که در دوره قاجار تخریب شده است.

ساختار مسکونی همدان از زمان شکل‌گیری یک مرکز سیاسی و تجاری-اقتصادی مهم محسوب می‌شده است. حرفه‌ها، اعتقادات و مسائل قومی-قبیله‌ای در ایجاد محله‌ها نقش مهمی ایفا

می‌کردند. آن‌چه دربارهٔ محله‌های شهر همدان موجود است، بیشتر مربوط به نوشته‌ها و مدارک دورهٔ قاجار است. تمام محدودهٔ شهر همدان در سال ۱۸۵۱ م. به شش محله: بنه‌بازار، جولان، مهتران، محلهٔ ورمزیار و درودآباد تقسیم شده بود. حدود ۹۵۰۰ خانه در این محله‌ها وجود داشته، سال ۱۸۵۱ م. جمعیت شهر ۴۰۰۰۰ نفر بوده است (مهريار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۳). با اندکی اختلاف به لحاظ زمانی در سال ۱۲۵۰ ه.ق. شمار خانه‌های همدان ۱۲۰۰ باب، با ۱۸۰۰ چشمهٔ روان در کوی‌ها و خانه‌ها و نواحی آباد گزارش شده است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۱)؛ درحالی‌که در سال ۱۹۰۷ م. جمعیت همدان را جکسن (۱۳۶۹: ۷۹) ۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده است.

بیشتر محدودهٔ شهر که از شمال غربی به جنوب شرقی گسترش یافته به مناطق مسکونی تعلق داشت که دارای مرکز اجتماعی کوچک، ولی با اهمیت محلی بود (مهريار و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۴). بانگاهی به ساختار شهری همدان در دورهٔ قاجار می‌توان دریافت که یکی از ابعاد منحصر به فرد ساختار شهری همدان وجود تعداد زیادی محله در شهر است. این محلات حاوی آداب و رسوم مشخص خود، ساختار متنوع و اقلیت‌های قومی و مذهبی گوناگون بوده‌اند. تعداد این محلات در بافت تاریخی همدان به بیش از ۴۰ محله می‌رسد که در حال حاضر تعدادی از آن‌ها از بین رفته‌اند (نقشه ۲). عناصر کالبدی محلات همدان شامل: چشمه، حمام، مسجد، مغازه و چمن هستند. مرکز محله، عنصر دیگری است که در شکل‌گیری محلات همدان نقش داشته و در توسعهٔ تدریجی محله و در نزدیکی به راه‌های اصلی محله شکل گرفته است. هر محله یک راسته به حساب می‌آمد که از کوچه پهن‌تر است و حمام و مسجد و دکان‌ها در آن قرار دارند و به آن «کوی» می‌گفتند. کوچه‌ها از اطراف به کوی می‌پیوستند. کوی بزرگ دارای چند حمام و مسجد بود مانند کوی درودآباد که دارای بازارچه، چهار حمام و دو مسجد به نام «مسجد شریف‌الملک» و «مسجد سعید» بوده و رودخانهٔ آلوسجرد (دره مرادیگ) از کنار آن می‌گذشته است (آزنگ، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰). نکتهٔ قابل توجه در مورد محلات شهر همدان این‌که پس از دورهٔ قاجار حسب شکل‌گیری صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی-اقتصادی در کشور، نظام شهری و به تبع آن محله دچار دگرگونی اساسی شد. ورود اتومبیل، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و مهاجرت روستاییان به شهرها، باعث شد تا گسست عمیقی بین محلهٔ کنونی با مفاهیم گذشته آن به وجود آید و این تغییرات عمیق در زمان حاضر گسترده‌تر هم شود.

در کنار محدوده محلات یاد شده، بناهای مذهبی، اداری، تجاری و اقتصادی قرار داشت. در نخستین مطالعهٔ شهر توسط «کندلیس» (طراح شهر همدان به شکل کنونی)، تعداد ۴۲ محله با حدود و مرکز محله مشخص شناسایی شد (نقشه ۳). با توجه به اسامی محله‌ها تا حدودی مکان‌یابی هر یک از آن‌ها مشخص می‌شود. هر یک از این محله‌ها دارای مرکزی با میدانی نسبتاً



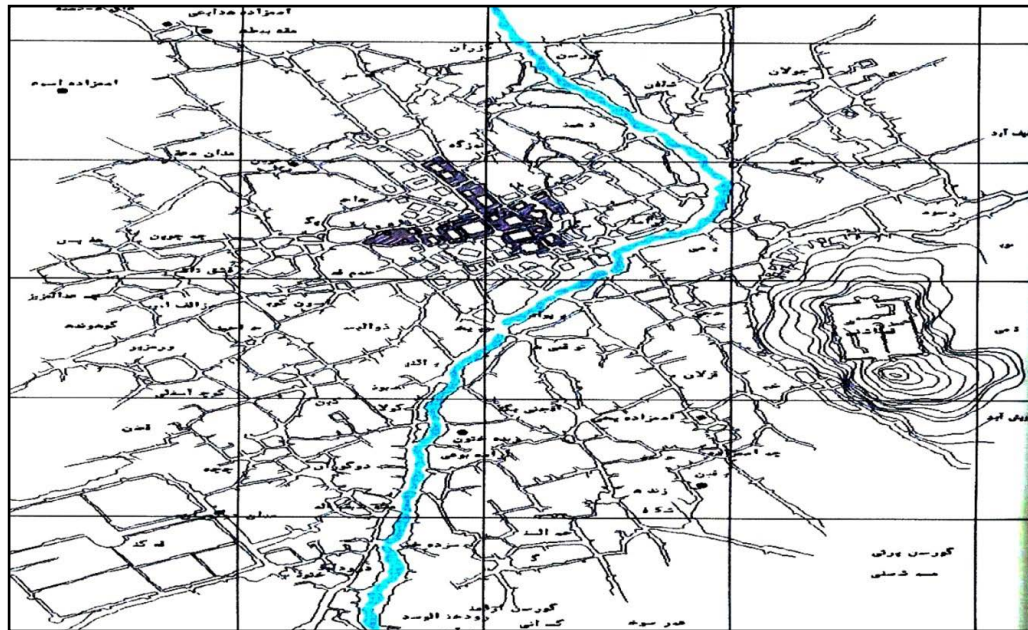
نقشه ۳. نقشهٔ تقریبی قرارگیری محلات همدان (طرح محور فرهنگی تاریخی همدان، ۱۳۷۱).



نقشه ۲. بافت قدیمی محلات همدان (بایگانی سازمان مسکن و شهرسازی همدان، ۱۳۹۷).

کوچک است که در پیرامونش حمام، مسجد محله‌ای، چشمه، چمن، بازارچه و خانه بزرگ محله و بقیه خانه‌های مردم قرار دارند. نقشه مرکز محله‌ها برحسب قرارگیری فضاهای پیرامونی در اشکال گوناگون ایجاد شده است. نقطه ثقل مرکز محله‌های کوچک به سوی مرکز شهر است که منشأ خود را از دروازه ورمزیار و دروازه قلعه حاجی عباس در جنوب غربی گرفته و حدود دو کیلومتر تا انتهای شمال غربی شهر امتداد دارد. منشأ این شیوه دقیقاً به توسعه در سده‌های گذشته و سنت‌های طراحی شهری در محدوده شهر باستانی باز می‌گردد.

شهر همدان دوره قاجار، با رشدی تقریباً طبیعی، اما کند، به گسترش عادی خود بر مبنای بافت سنتی خود ادامه می‌دهد. اکثر محله‌بندی‌های امروزه، در این دوره شکل می‌گیرد. آرامش و امنیت این دوره سبب ایجاد بناهای عام‌المنفعه می‌شود که بسیاری از مساجد، مقابر و کاروانسراها یا احداث می‌شوند یا مورد توجه مجدد قرار می‌گیرند. در این دوره، تجارت در شهر رونق می‌گیرد؛ صادرات فرش از همدان به اروپا به خصوص لندن به کاروانسراهای شهر و محلات مرتبط با آن‌ها رونق بی‌سابقه‌ای می‌دهد (آژنگ، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۹). به عبارت دیگر، گسترش شهر در راستای مسیر رودخانه آلسجرد انجام می‌شود. جهت‌گیری محلات عموماً به سوی مسیل شهری بوده و معابر فرعی نیز به شکل طبیعی گسترده می‌شوند. عرض معابر درون بافت محلات از نوعی تعادل حکایت می‌کند؛ بدین معنی که معابر بی‌جهت عریض و باریک نبوده و حالتی متعادل دارند (نقشه ۴).



نقشه ۴. شکل‌گیری محلات تاریخی دوره قاجار در اطراف رودخانه آلسجرد (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

شکل‌گیری چمن در بافت شهری همدان دوره قاجار

در دوره قاجار محوطه‌هایی به شکل مربع، مستطیل یا دوزنقه و یا بدون شکل هندسی، در بعضی از محلات همدان وجود داشت که از کوچه‌های اصلی محله بدان منتهی می‌شد، این محوطه‌ها «چمن» نام داشتند و در حکم مرکز تجمع یا کانون محلات بودند. مردم فقیری که در خانه آب جاری نداشتند از قنات چمن که به آن چشمه می‌گفتند، جهت نوشیدن، شستن گلیم، قالی، لباس و یا ظروف استفاده می‌کردند. هنگام پاییز که غالباً آب‌های قنات خشک می‌شد از چاه چمن استفاده می‌کردند، با چرخ از چاه آب می‌کشیدند و در جوی قنات می‌ریختند. در کنار چشمه‌ها «وجود

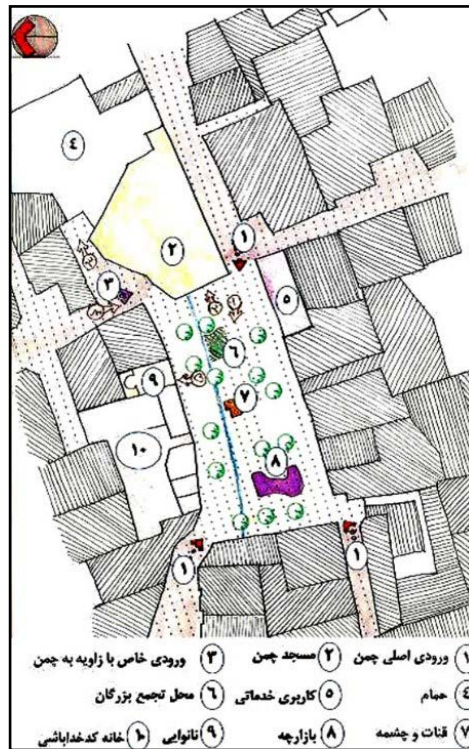
تأسیسات آب‌رسانی و نگه‌داری یخ در فضاهایی نظیر یخچال و آسیاب‌های آبی نمایانگر توجه‌هاالی به بناهای عمومی در فضای محلات شهری همدان در دوره قاجار بوده است» (قدکچیان، ۱۳۷۶: ۳۲؛ رحمانی و شعبانی، ۱۳۹۷: ۹۲-۷۵). اطراف چمن‌ها را، مسجد، حمام، چشمه، زیارتگاه، سقاخانه و چند دکان نانوايي، بقالی، کفاشی، عطاری، سبزی‌فروشی و قصابی دربر گرفته بود؛ همچنین در میان آن‌ها درختان تنومند و کهنسالی قرار داشت که معمولاً مردم از سایه آن‌ها استفاده می‌کردند و از اوضاع و احوال هم با خبر می‌شدند و به رسیدگی امور می‌پرداختند. در این میدانگاه اجتماعی، صبح‌ها بتایان و کارگران ساختمانی و کشاورزی با بیل و کلنگ و ماله و شاغول گرد می‌آمدند تا کسانی که به کار آنان نیاز دارند ایشان را به خانه یا کشتزار خود برده از مهارتشان استفاده کنند. در گوشه‌ای از این چمن‌ها، مستمندان می‌نشستند و کسانی که قصد یاری ایشان را داشتند با کمک‌های نقدی و جنسی خود نیازشان را بر طرف می‌ساختند. در این چمن‌ها افراد امینی بودند که مردم به آن‌ها مراجعه کرده، به‌هنگام سفر امانات خود را به ایشان می‌سپردند و پس از بازگشت از سفر، امانات خود را پس می‌گرفتند. این‌ا منا که اغلب از حال مستمندان محل آگاه بودند، کمک‌های افراد نیکوکار را هم به آنان می‌رسانیدند. به‌علاوه، عرصه و میدان معرکه‌گیران، مار افسایان، شعبده‌بازان (چشم‌بندان‌ها)، پهلوآنان زنجیر پاره‌کن، درویش‌های شمالی‌گردان و جز این‌ها، خصوصاً محل تجمع دسته‌های عزاداری در ایام سوگواری‌های سالانه بود. در این محوطه‌ها، گاهی عطاران و داروفروشان بودند که بیماران به آن‌ها مراجعه کرده و پس از اظهار بیماری خود داروهایی را می‌گرفتند و با مصرف آن‌ها خود را درمان می‌کردند. مسجد اطراف چمن نیز محل برگزاری مجالس ترحیم، نماز جماعت و در ماه محرم و صفر محل سینه‌زنی و عزاداری بود و در روزها و شب‌های سوگواری، دسته‌های عزادار از آنجا به سوی محلات دیگر شهر حرکت می‌کردند و یا پذیرای عزاداران سایر محلات بودند (آژنگ، ۱۳۸۷: ۸۴).

به‌عبارت دیگر، مسجد هر محل مرکز نظارت دینی بر اعمال و کردار مردم محله محسوب می‌شد و روحانیان هر محل از بدو تولد تا دم‌مرگ در نام‌گذاری متولدین، رسمیت بخشیدن به مراسم ازدواج و طلاق، پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و حل و فصل آن‌ها مورد رجوع اهل محل بودند و در بسیاری موارد اسناد مالکیت، قراردادها و مقوله‌نامه‌ها، خرید و فروش و اجاره در محاضر شرعی و اغلب زیر نظر علمای ساکن در هر محل قرار داشت. در مجاورت مراکز محلات همدان و در امتداد راه‌های اصلی شهر در دوره قاجار، ۴۰ مسجد نام برده شده است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۸). اهمیت مساجد در بافت محلات به حدی بود که گاهی محله به احترام امام جماعت به نام او نامیده می‌شد، مانند محله «ملاجلیل».

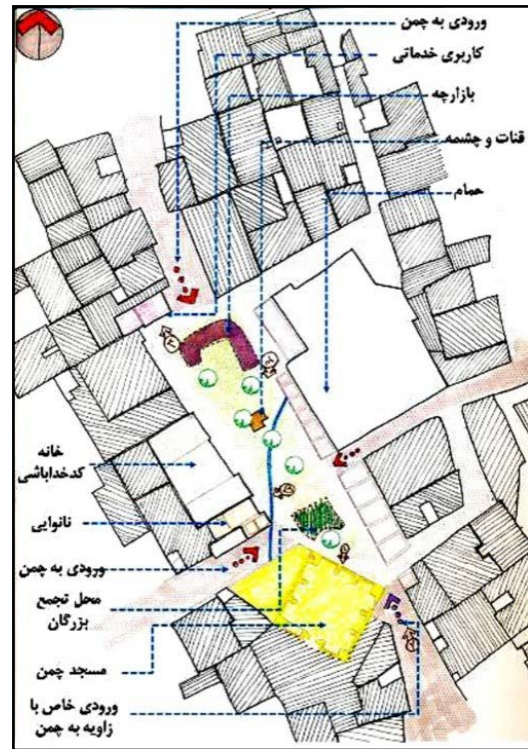
مالکان، تجار و پیشه‌وران، دارای خانه‌های وسیعی مرکب از بیرونی که در آن به فضای کوچه باز می‌شد و اندرونی که با راهرویی به حیاط کوچک بیرونی می‌پیوست، بودند (مانند: محله‌های «حاجی»، «آقاجانی بیگ» و «شالبافان»). حیاط اندرون وسیع و دارای باغچه و حوض آب بود که غالباً از آب قنات و یا چشمه مشروب می‌شد و سه سمت رو به شرق، غرب و جنوب را ساختمان‌های اغلب مرکب از دو طبقه فوقانی و زیرزمین احاطه می‌کرد. این‌گونه خانه‌ها مراجعان زیادی از رعایا، خانه‌شاگردها و یامریدان، مسأله‌پرسان، خواستاران استخاره و ساعات خوش جهت مسافرت و عقد و عروسی داشت. در جلوخان در ورودی بیرونی در سمت کوچه دو سکوی پهن (غلام‌نشین) با روی سنگی یکپارچه احداث کرده بودند. شاید به منظور آن‌که تا آمدن صاحب‌خانه و یا رسیدن نوبخت، خستگی انتظار را بر منتظران رفع نمایند. خانواده‌ها معمولاً در کنار هم و با هم زندگی می‌کردند و معمولاً پدرسالار بودند و هر خانه چندین نسل را در خود جای می‌داد. فرزندان پسر پس از ازدواج اغلب نزد خانواده پدری به سر می‌بردند و دختران با رسیدن به سن بلوغ و ازدواج خانواده را ترک می‌کردند. خانه‌های افراد کم‌درآمد در اطراف خانه‌های اعیانی قرار داشت و هر چند بضاعت مالی

و اعتبارشغلی خانواده‌ها کمتر بود، بیشتر به حاشیه محله‌ها رانده می‌شدند. این گونه خانه‌ها کوچک و غالباً فاقد اندرونی و حوض و حوضخانه و آب جاری بودند. آن‌ها آب مورد نیاز خود را با دلو و ریسمان از چاه و یا از قنات محله تأمین می‌کردند (فرشچیان و بلالی اسکویی، ۱۳۹۴: ۵۸).

در کنار مسجد، یکی از عناصر اصلی محله‌های همدان، حمام‌ها بودند. حمام اطراف چمن علاوه بر کار تنظیف اهالی، محل انجام حجامت، کشیدن دندان و ضماد داروهای مختلف بود (آژنگ، ۱۳۸۷: ۴۶-۳۸)، همانند: محله «کبایان». این بناها عموماً جنبه عام‌المنفعه داشته و توسط خیرین ایجاد می‌شدند. حمام‌های یادشده همگی در زیرزمین (پایین‌تر از سطح معابر) ساخته می‌شدند و پشت‌بام آن‌ها با سطح زمین برابر می‌شده است (چریکف، ۱۳۷۹: ۹۸). علاوه بر آن، امامزاده اطراف چمن‌ها، (مانند: امامزاده یحیی) محل زیارت اهالی و نذر و نیاز آنان محسوب می‌شد و شب‌های جمعه و روزهای تاریخی مذهبی، مردم محل در آنجا گرد می‌آمدند. در آنجا ضمن زیارت، دعا و ثنا می‌خواندند و نذر و نیاز خود را به صندوق امامزاده می‌ریختند. از معروف‌ترین چمن‌های همدان می‌توان «چمن ورمزیار»، «چمن کلیا»، «چمن کبایان»، «چمن محله حاجی»، «چمن غزلان»، «چمن چوپان‌ها» و «چمن سبزواری» را نام برد که برخی از آن‌ها مانند: چمن ورمزیار، چمن چوپان‌ها و غزلان در اثر خیابان‌کشی یا به‌کلی از بین رفته و یا تنها بخشی از آن‌ها باقی مانده است (آژنگ، ۱۳۸۷: ۸۵). به تدریج با احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید، از اهمیت چمن‌ها کاسته شده و امروزه تنها آثاری از آن‌ها پابرجاست، چنان‌چه این چمن‌ها دوباره احیا شوند و همچون مراکز تجاری و محل رفع و رجوع گرفتاری‌های مردم از آن‌ها استفاده شود، می‌توان تاحدودی از تمرکز امور در مرکز شهر و ازدحام و شلوغی آن کاست و از این مکان‌های تاریخی به‌عنوان ابزار و اهرمی در راه پیشبرد اهداف و مقاصد اجتماعی و اقتصادی بهره گرفت.



نقشه ۶. چمن حاجی و عناصر کالبدی اصلی فرشچیان و بلالی اسکویی، (۱۳۹۴).



نقشه ۵. چمن کبایان و عناصر تشکیل‌دهنده آن فرشچیان و بلالی اسکویی، (۱۳۹۴).

کوچه‌های محل از چمن‌ها، جدا می‌شدند و با پیچ‌وخم‌های فراوان که تنها افراد محل به خوبی آن‌را می‌شناختند، گاه از گذرگاه‌های مسقف و تاریک (ساباط) می‌گذشتند. خانه‌ها در اطراف این گذرگاه‌ها قرار داشتند و منازل اعیان در انتهای این پیچ‌وخم‌ها با دیوارهای بلند از دید نامحرمان پنهان می‌ماند. در محوطه چمن، نیازهای روزمره اهل محل را چند دکان برآورده می‌کردند که مجموعه آن‌ها «بازارچه» نام داشت. برخی از محلات مانند کبابیان و حاجی، دو مسجد و برخی دو حمام داشتند که اکثراً از دو بخش مردانه و زنانه ساخته شده بودند (نقشه ۵ و ۶). برخی محله‌ها دروازه داشتند و در ساعات پایانی شب دروازه‌ها بسته می‌شدند، گاهی کوچه‌های مسقف نیز توسط یک در عمومی به کوچه راه داشت و این در را ساکنان کوچه در ساعات معینی از شب می‌بستند. در ورودی خانه‌ها کوتاه و سرگیر و به محوطه گود و پله‌خور و پس از ورودی به یک دالان تونل‌مانند در طبقه تحتانی منتهی می‌شد. در خانه‌ها ابتدا به بیرونی و از آنجا به اندرونی راه داشت. گفتنی‌ست که قرار گرفتن همدان بر گذرگاه ایلات و عشایر و تهاجمات تاریخی و قتل و غارت اقوام داخلی و خارجی همانند دیگر شهرهای بزرگ مشرق زمین چنین بافتی را بر شهر همدان تحمیل کرده بود. نام محلات همدان بیانگر سکونت اقلیت‌های مذهبی در آن‌هاست؛ نام‌هایی همچون: ورمزیار، بختیاری‌ها، زندی‌ها، قصابان، جراحان، ضرابی‌ها (ظاهراً ضرب سکه)، یهودی‌ها، ارامنه و آشوری‌ها. به علاوه وجود محله‌هایی با نام‌هایی چون: «جولان»، «شالبافان»، «قاشق‌تراشان»، «اسبرون‌کوب‌ها» (نوعی گیاه پاک‌کننده)، «صابونی‌ها» و «سبدباف‌ها» دال بر حرفه و فنی است که وجه تسمیه آن‌ها شده است. در مورد محله شالبافان، قاشق‌تراشان و اسبرون‌کوب‌ها، گفتنی‌ست که این نوع محصولات در تعدادی از خانواده‌های ساکن این محلات تا اواخر دوره قاجاریه و اوایل پهلوی کم‌وبیش تولید می‌شده است (صابری‌همدانی، ۱۳۸۱: ۱۳۹؛ فدکچیان، ۱۳۸۷: ۳۳). همچنین تعدادی از محلات نام خود را از موقعیت طبیعی محله وام گرفته‌اند، مانند: «دورودآباد» که خیابان قدیمی مجاور آن نیز به نام «بین‌النهرین» معروف است. رودخانه در بخش‌های جنوبی‌تر آن به دو بخش منقسم می‌شده و به قسمت دیگر محله راه می‌یافته است. نظیر همین نام را در محله جولان تحت عنوان «آب دوباره» یا «دو بهره» سراغ داریم (صابری‌همدانی، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

هر محله برای اعضای خود یک گروه بسته و یا نوعی گروه خودی بود و ساکنان محلات دیگر برای آنان، گروه بیگانه به‌شمار می‌آمدند. خانواده‌های ساکن در هر محله یا ساکنان محلات دیگر روابط اجتماعی نداشتند. ازدواج بیشتر درون‌گروهی و ترجیحاً فامیلی و درون‌محله‌ای صورت می‌گرفت؛ در نتیجه رقابت و هم‌چشمی و دشمنی، گاهی بین محلات ستیز به وجود می‌آورد و موجب ساختن مضمون برای دیگر محلات و پیش‌داوری در مورد اعمال و افعال آنان می‌شد. کودکان در فرهنگ محله خود که خرده‌فرهنگی از منطقه شهری بود، پرورش می‌یافتند و وارث فرهنگ محله می‌شدند. بین محلات مختلف شهر همدان تفاوت در آداب و رسوم و حتی لهجه و اصطلاحات وجود داشت؛ به عنوان نمونه، هنوز هم در نزد بعضی از گروه‌های شهری، ورمزیاری‌ها به شرارت و جولانی‌ها به ساده‌لوحی معروف‌اند و فکاهیات متعدد درباره آن‌ها گفته می‌شود. تعصب به محله و وابستگی به آن در ساکنان محله‌ها وجود داشت و گاهی احساسات ساکنان یک محل علیه محلات دیگر تحریک می‌شد و موجب بروز درگیری‌ها و قتل و غارت و دشمنی‌ها می‌شد و فجایع تلخی به بار می‌آورد. کوچه‌های محله یهودیان از نظر امنیتی باریک‌تر و پر پیچ‌وخم‌تر از سایر کوچه‌های شهر بود و خانه‌ها اغلب با دریچه‌ای به خانه همسایه راه داشت و راه‌های مخفی برای فرار از حمله در شرایط آشوب‌های شهری در آن پیش‌بینی شده بود (اذکایی، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۲). از دوره صفویه شهر همدان نیز دارای محلات «حیدری» و «نعمتی» بوده است؛ به‌طور مثال، محله امام‌زاده یحیی «نعمتی» و محله جولان «حیدری» بود و تا سال‌ها بعد از استقرار مشروطیت نیز هنگام مراسم عزاداری که دسته‌های سینه‌زنی از جامع شهر عبور می‌کردند، بر تقدم ورود و یا خروج از مسجد و در گذرگاه‌ها

بین دسته‌های حیدری و نعمتی به بهانه‌های گوناگون زد و خوردهای خونین رخ می‌داد، منجر به شکل‌گیری محله‌های مشخص بر مبنای اقلیت‌های مذهبی می‌شد که ریشه آن‌ها در همدان باتوجه شواهد موجود حداقل به دوره صفوی باز می‌گردد. علاوه بر اقلیت یهودیان، ارمنی‌ها نیز در محدوده «فرهنگ»، «آرامگاه بوعلی‌سینا» و یا «کوچه‌فرنگی‌ها» که «سریخچال» امروزی است، ساکن بودند. محلات «آقاجانی‌بیگ»، «نظربیگ» و در حومه جنوبی شهر «دره‌مرادیگ» با پسوند «بیگ» آمده است. «بیگ» از القاب ترکی به معنای «مہتر» و «بزرگ»، لقب یا عنوان کلی نجبا و بزرگان ترک در غالب ممالک اسلامی و همچنین در ایران بعد از اسلام است. این کلمه از قرن هفتم هجری قمری در آخر بعضی از اعلام به عنوان لقب ذکر می‌شده است (مانند: حسن بیگ، یعقوب بیگ، و...). در ماوراءالنهر نیز مقارن استیلای «ازبک» این عنوان در آخر اسم حکام محلی می‌آمده است (فرهنگ ناظم‌الطبایع، ذیل واژه «بیگ»). در عهد صفویان عنوان تشریفاتی افراد «قزلباش» و بعد از آن در غالب بلاد ایران و ماوراءالنهر عنوان حکام محلی بوده است (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۸۶). در عهد قاجار به تدریج این عنوان‌ها تشریفاتی شده است؛ بنابراین نام‌های این محلات از نام بیگ‌های صاحب نفوذ ساکن در این محلات گرفته شده و یا به سبب ایجاد امور عام‌المنفعه چون: احداث قنات، مسجد و حمام به احترام بانیان آن‌ها شهرت یافته است.

در درون محلات همدان کوچه‌هایی با عنوان «خاتون» وجود داشت که نام آن‌ها از بقاع متبرکه موجود در آن کوچه‌ها گرفته شده است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۲۶۷). گورهای دیگر موجود در مجاور و یا نزدیک به آن‌ها نشان می‌دهند که این بقاع بقایای گورستان‌های قدیمی بوده است، مانند: «خاتونیه»، «زبیده‌خاتون» و «حلیمه‌خاتون». لفظ خاتون در معنی «ملکه» و «زوجه خاقان» به کار می‌رفته است. بعضی از زنان عهد سلاجقه و مغول هم ظاهراً به سبب آن که بردن نام آن‌ها دور از ادب شناخته می‌شده، به همین عنوان «خاتون» مشهور شده‌اند. در مذهب تشیع در ایران، «خاتون مطلق» و همچنین «خاتون قیامت»، «خاتون عرب» و «خاتون کائنات» غالباً کنایه از «حضرت فاطمه علیها السلام است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «خاتون»).

بحث و تحلیل

محله‌ها فضای شهری تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف نیازهای شهروندان هستند. بسیاری از محلات همدان در دوره قاجار به صورت تدریجی و به شکل گرد و خطی تکامل یافته و از طراحی پیش ساخته پیروی نکرده‌اند. این مراکز از طریق راه‌های دسترسی با پیچ و خم زیاد و با عرض کم و به شکل طبیعی به مرکز اصلی شهر (بازار و مسجد جامع) منتهی شده‌اند. عامل اصلی ایجاد و تمایز محله‌ها از هم، فرقه‌های قومی و مذهبی همانند گروه‌های عزاداری و یا دارای پیشینه خانوادگی بوده است. در این دوره، گسترش محله‌ها از طریق رشد محله‌های قدیمی صورت گرفته و محله‌های جدید تابعی از محله‌های قبلی بود. با ورود به دوره پهلوی، محله‌های جدید در راستای تحولات دنیای مدرن و خیابان‌ها شکل گرفته و خیابان‌های فرعی با ایجاد بافتی شطرنجی، آن‌ها را از هم جدا می‌کردند؛ به عبارت دیگر، بافت محلات از حالت طبیعی خارج و شکل منظم به خود می‌گیرند. با این حال، در بافت تاریخی شهر همدان، مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به محلات شهر در موارد پیش‌رو خلاصه می‌شوند: ۱- قرارگیری در مسیرهای تردد و دسترسی آسان به آن‌ها: همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، محله‌های تاریخی شهر همدان از مسیرهای دسترسی مساعدی برخوردارند و همین موضوع سبب پویایی روابط بین ساکنین و تعامل بهتر آن‌ها با یکدیگر می‌شود. ۲- دسترسی آسان به منابع آب: چشمه‌ها یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های کالبدی محلات تاریخی شهر همدان را در دوران قاجار و پهلوی تشکیل می‌دهند. این عنصر، علاوه بر تأمین آب هر محله، مکان مناسبی جهت گردهمایی‌هایی روزانه در میان ساکنین محل ایجاد می‌کند. ۳- تنوع قومی و

اعتبار خانوادگی: تنوع قبیله‌ای و پیشینه غنی خانودگی در محلات منجر به ایجاد و تقویت هویت جمعی میان اعضای محله می‌شود. این موضوع به وضوح در میان محله‌های شهر همدان مشهود است. ۴- کاربری فضای سبز با عنوان چمن: چمن‌ها یکی از ارکان اصلی محله‌های همدان در یافت تاریخی آن‌ها محسوب می‌شوند. این اماکن با داشتن فضایی سبز در ایجاد هم‌نشینی و افزایش هم‌بستگی میان اعضای هر محله نقش بسزایی داشته است. ۵- امنیت اجتماعی و اقتصادی: وجود دروازه در هر محله و نیز تعیین حریم برای آن منجر به افزایش امنیت فکری و مالی اعضای محله‌ها شده است؛ همچنین مغازه‌هایی با کاربری‌ها مختلف که بیشتر مایحتاج ساکنین محله را تأمین می‌کرده، نقش مؤثری در رونق هر محله داشته‌اند.

علاوه بر موارد یادشده، با نگاهی به جدول ۱، می‌توان دریافت که سلسه مراتب و محرمیت در ساختار کالبدی محله‌ها باعث شده تا مسیرها، فضاهای عمومی و گذرها با خطوط اصلی شبکه ارتباطی شهر و بازار در رابطه مستقیم نباشد و بازار تا حد امکان راه مستقیمی به مرکز محله نداشته باشد. خانه‌ها، یکی از عناصر ساختاری مهم هر محله را تشکیل می‌دهد. سازمان فضایی خانه‌های همه محله‌های همدان، به صورت «دالان دالان» (کوچه) بوده که در داخل هر یک از این دالان‌ها چندین خانه با ورودی کوتاه وجود داشته است. این کوچه‌ها (دالان‌ها) بسیار باریک و بلند ایجاد شده‌اند و فقط برای رفت و آمد انسان و حیوانات به صورت تکی بوده و عبور گاری از آن به دشواری صورت می‌گیرد. بیشتر این دالان‌ها به دلیل ساخت و سازهای جدید از بین رفته‌اند. در این دالان‌ها علاوه بر دروازه‌های ورودی، دروازه‌های کوچک دیگری به صورت مخفی در داخل دیوار ساخته می‌شد. افراد برای عبور از این دروازه‌ها به صورت یک دالان کوچک، باید خم می‌شدند. این دالان‌ها به خانه همسایه راه داشته‌اند و در قدیم در اثر وقوع جنگ و ناامنی، همسایه‌ها از طریق این راه‌ها از حال یکدیگر با خبر می‌شدند. خانه‌های محلات عموماً از مصالح خشت و یا کاه‌گل و آجر، با سقف چوبی و همراه با تزئینات آجرکاری بر بالای سر در ورودی و بالای پنجره‌ها ایجاد شده‌اند؛ همچنین در برخی از محله‌ها تا ارتفاع حدود دو متری، هر خانه را با مصالح لاشه‌سنگی به منظور جلوگیری از ورود رطوبت ساخته‌اند.

در کنار عناصر ساختاری محلات همدان که در بخش‌های پیش به آن‌ها اشاره شد، چمن‌هایی به شکل مربع، مستطیل یا دوزنقه و یا بدون شکل هندسی در بعضی از محلات همدان وجود داشت که از کوچه‌های اصلی محله بدان منتهی می‌شد.

مساجد محله‌ای، به عنوان یک عنصر شاخص در محله‌ها، فضای دیگری است که علاوه بر کارکرد مذهبی محلی برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی بوده است. برخی از محله‌های همدان مانند محله امامزاده یحیی دارای دو مسجد (مسجد «انصاری» و مسجد «حاج سرتیب») هر دو مربوط به دوره قاجار هستند. فضای این مساجد کوچک، فاقد مناره، گلدسته و تزئینات بودند؛ دو ستون سنگی در میان داشته و سقف اکثر آن‌ها را گنبد‌های عرقچین پوشانده است. فضای باز در میدانچه‌ها محل رفت‌وآمد، خرید و فروش، گذران اوقات فراغت بزرگسالان و محل بازی بچه‌ها بود. در هنگام برگزاری مراسم عزاداری به هنگام فوت یکی از ساکنان محله، به ویژه ماه محرم و رمضان، فضای باز محله - محل تجمع مردم بود. در ساختار کالبدی محلات شهر همدان با تغییرات صورت گرفته و با احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید، از اهمیت چمن‌ها کاسته شده و امروزه تنها آثار اندکی از آن‌ها پابرجاست. در کنار مساجد، حمام‌ها یکی از اصلی‌ترین عناصر کالبدی محله‌های تاریخی همدان هستند. این حمام‌ها به صورت متداول سه قسمتی (سرد، نیمه‌گرم و گرم) و به صورت دو قسمتی زنانه و مردانه ساخته شده‌اند. معمولاً حمام زنانه بزرگ‌تر از حمام مردانه بوده و در آن‌ها تزئینات مشخصی اجرا نمی‌شده است. (امروزه بیشتر حمام‌ها تبدیل به موزه شده‌اند).

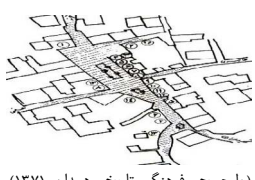
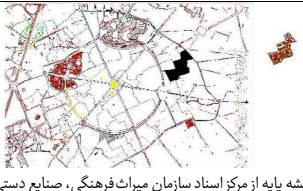
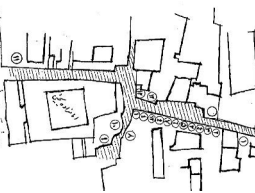

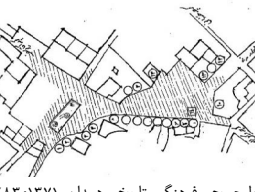
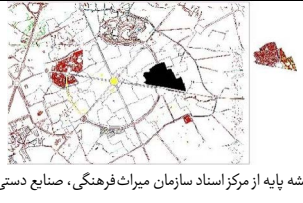

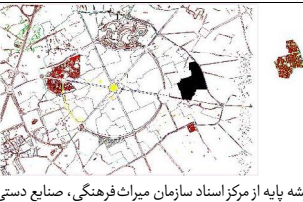

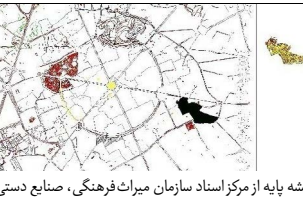
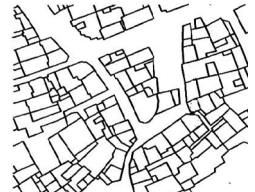
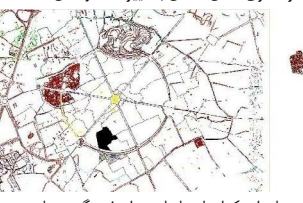
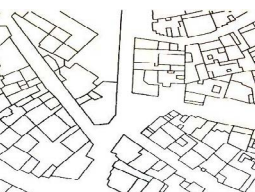
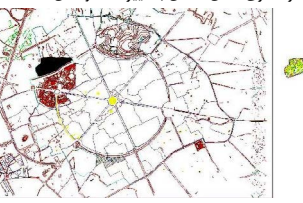
بیشتر محله‌ها کارکرد مسکونی داشتند؛ با این حال، برخی از محله‌ها همانند محله قاشق تراشان بیشتر کاربری تجاری داشته‌اند، این محله با خانه‌هایی وسیع، اکثراً مربوط به تجار همدان بودند. در مصاحبه با بزرگان محلات بررسی شده در همدان مشخص شد که در گذشته به دلیل ناامنی شهر و عدم وجود نیروی انتظامی، مردم برای حفظ جان و مال خود و خانواده مجبور بودند که دیوارهای خانه‌ها را بلند و محکم بسازند، خانه‌ها را به هم راه دهند تا در صورت هجوم مهاجمین و بسته بودن کوچه‌ها از میان خانه‌ها فرار کنند و ساختن کوچه‌های باریک و کج و پیچ‌وخم‌دار هم سبب می‌شد آسان‌تر از آن‌ها ننگه‌داری شود. بسیاری از کوچه‌ها بن بست بود و چون شب فرا می‌رسید درهای بن بست‌ها را می‌بستند و برای هر کدام نگهبانی معلوم می‌کردند. بسیاری از خانه‌های قدیم همدان دارای «نقب» بودند؛ همچنین دارای کنج‌هایی برای مخفی شدن و مخفی کردن اجناس در قدیم بودند و برخلاف امروز، خانه هر قدر داخل کوچه تنگ و با دیوارهای بلند بود ملکی بهتر و مرغوب‌تر حساب می‌شد و اگر در کوچه بن بست قرار داشت دارای امتیاز بزرگی بود. وضع روزگار گذشته ایجاب می‌کرد که مردم هر محله به هم اطمینان کنند و همدیگر را بشناسند و این شناسایی و اطمینان را گسترش داده و در پناه اجتماع بزرگ‌تر و فشرده‌تر باشند. این اجتماع بزرگ‌تر کوی بود که از چند کوچه تشکیل می‌شد و بزرگان کوی وظیفه داشتند که از افراد کوی در مقابل مأمورین حکومتی، زورگویان و غارتگران حمایت کنند. در عوض وظیفه افراد کوی بود که نسبت به بزرگان کوی مطیع بوده و در موقع لزوم سرباز و کارگر بدهند. در قدیم دولت برای گردآوری لشکر به بزرگان کوی مراجعه می‌کرد و ایشان انجمن تشکیل می‌دادند و هرکدام نسبت به بزرگی محل خود تعهد داشتند، آنگاه بزرگ کوی افراد را از میان طبقه فقیر کوی معلوم می‌کرد و گروه توانمند کوی ملزم به پرداخت مخارج این افراد بودند.

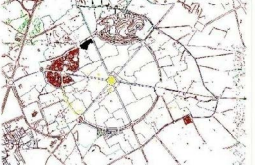
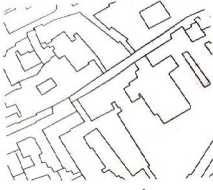

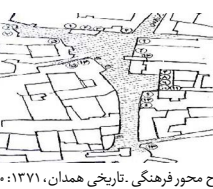


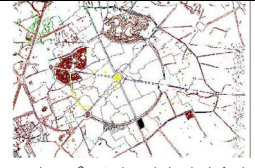









با بررسی‌های میدانی انجام شده مشخص گردید که مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری هر محله عملکرد ارتباطی آن بوده است؛ به این ترتیب که هر مرکز اغلب در نقطه‌ای شکل گرفته که از نظر دسترسی به نقاط گوناگون خدماتی در بهترین موقعیت باشد. مجموعه بازار به عنوان هسته مرکزی دادوستد، شبکه محلات و گذرهای شهر، میدان مرکزی شهر همدان به عنوان نقطه محوری شهر و برخی از میادین مهم، مانند «میدان عباس‌آباد»، و محل تقاطع خیابان‌های کمربندی و خیابان‌های منشعب شده از میدان مرکزی شهر مهم‌ترین عناصر ساختاری شهر همدان در ارتباط با محله‌های شهری را تشکیل می‌دادند. با نگاهی به ساختار محلات، مهم‌ترین عناصر کالبدی آن‌ها در درجه نخست دسترسی به مسجد محله‌ای و سپس حمام عمومی بوده است. در واقع، هسته اصلی تشکیل محلات مورد بررسی شهر همدان نه تنها در دوره‌های قاجار و پهلوی، بلکه به نظر می‌رسد در ادوار قبل از آن نیز به همین ترتیب بوده باشد؛ به این معنی که محلات بر محور مسجد و در راستای دسترسی به آن ساخته شده‌اند. با توجه به کارکرد چند منظوره مساجد در ساختار محلات، به نظر می‌رسد سایر کاربری‌های محله بر مبنای آن شکل گرفته باشد. در کنار مسجد، حمام و چشمه، دارای بیشترین اهمیت و فراوانی در میان عناصر کالبدی بوده که می‌توانسته محل مناسبی برای تبادل افکار و نیز بحث درباره احوالات و حوادث روز باشد. از برخی از این چشمه‌ها علاوه بر کارکرد اصلی شان، استفاده ثانویه هم می‌شده است؛ به طور مثال، در انتهای «چشمه اتابکی» در محله امامزاده یحیی به عنوان غسل‌خانه استفاده می‌شده است. به عبارتی مسجد و حمام به عنوان دو مکان عمومی در کنار چشمه‌ها، بیشترین نقش را در شکل‌دهی به ساختار محلات همدان در دوره قاجار و سپس پهلوی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به ساختار فضایی و کالبدی محلات همدان در بافت تاریخی شهر می‌توان دریافت که

جدول ۱. محلات مطالعه شده در بافت تاریخی همدان، موقعیت، دسترسی ها و عناصر کالبدی آن ها (نگارندگان، ۱۳۹۹).

محل	موقعیت محله	عناصر ساختاری اصلی	حرکت و دسترسی	نقشه	موقعیت در بافت شهری
۴	شمال خیابان تختی و جنوب خیابان شهیدا	حمام، مسجد، خانه - های تاریخی، مدرسه، امامزاده اهل علی	به صورت قطاعی بین خیابان های تختی، شهیدا و بلوار شهید مفتح	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
امامزاده یحیی	ضلع شمالی بلوار مدنی و غرب خیابان تختی	مسجد، امامزاده، حمام، چشمه، چمن	کوچه آقا یوسف، کوچه تدین و کوچه خیریه	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۸۱)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
آقا جانی بیگ	کوچه سید جلالان و فرنگی ها.	مسجد، حمام، سقاخانه، چشمه، چمن	کوچه حاج حافظ، آقا یوسف، فرنگی ها، وکیل - الدوله و سید جلال	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۸۲)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
کلیا	کله پا (پاکوتاه)	مسجد، حمام، چشمه، چمن	از شمال به خیابان پانزده فروردین، از جنوب به بوعلی، از غرب به بلوار آیت الله مدنی و از شرق به طالقانی	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۸۶)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
دروآباد	ابتدای آرامگاه بوعلی	مسجد درود و شریف الملک، حمام، زیارتگاه، چشمه، چمن	از کوچه حمام، شیخ نقی، سوداگران، عزیزان و خیابان بین النهرین	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۹۲)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
قاشق ترانشان	مجاورت کوچه اسبرون کوب ها (صابونی ها) از یک سو و کوچه میرزا لطف الله	مسجد، حمام، چشمه، چمن	بلوار آیت الله کاشانی، کوچه قاشق ترانشان، شهید تیموری و آفاق	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۹۷)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)
شانیان	در سمت شمال شرقی تپه هگمتانه و مجاور محله چولان و در پایین دست محله نظربیگ	مسجد، حمام، چشمه، چمن	کوچه فاضل که از نظ بیگ به بازارچه محل می رسد	 (طرح محور فرهنگی: تاریخی همدان، ۱۳۷۱: ۸۷)	 (نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)

 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۹۹)</p>	<p>بلوار جولان و کوچه نظریک</p>	<p>مسجد، کاروانسرا، چشمه، چمن</p>	<p>از شرق به جولان و از شمال به شالیباغان</p>	<p>نظریک</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۱۰۰)</p>	<p>بلوار جولان کوچه ناصرالمالک، کوچه کاج</p>	<p>مسجد، حمام، چشمه، چمن</p>	<p>انتهای خیابان شورین</p>	<p>جولان</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۹۲)</p>	<p>از تقاطع کوچه صابونی‌ها با کوچه ذوالریاستین</p>	<p>مسجد، حمام، چشمه، چمن</p>	<p>محله کیابیان حد فاصل خیابان شریعی، خواجه رشیدالدین و کوچه کیابیان</p>	<p>کیابیان</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۹۵)</p>	<p>کوچه‌های پیروین اعتصامی، غازیان، حافظ، کوچه شهید احمدی</p>	<p>مسجد، حمام، چشمه، چمن</p>	<p>نزدیک خیابان پاستور قبلی</p>	<p>دوگوان</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۹۶)</p>	<p>حکیم‌خانه ظهیرالحکما، کوچه حمام کلیه‌یا و پیرگرگ</p>	<p>مسجد، حمام، زیارتگاه سردابه</p>	<p>خیابان پایاطاهر پشت مسجد میرزادارود</p>	<p>پیرگرگ</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۹۷)</p>	<p>کوچه حمزه، سیدباغان و شهید میرزایی</p>	<p>مسجد، حمام، چشمه، چمن</p>	<p>قسمت شمال غربی همدان</p>	<p>سیدباغان</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۸۷)</p>	<p>کوچه سلیمی، بنه بازار، بابای پور</p>	<p>مسجد، قلعه، حمام، دروازه، چشمه</p>	<p>مرکزیت بازار قدیم</p>	<p>بنه بازار</p>
 <p>(نقشه پایه از مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۶)</p>	 <p>(طرح محور فرهنگی. تاریخی همدان، ۱۳۷۱:۸۹)</p>	<p>قسمت شمال غربی آرامگاه بوعلی سینا</p>	<p>مسجد، حمام، چشمه، چمن</p>	<p>میدان بوعلی سینا</p>	<p>کولاج</p>

محور اصلی محلات از مسیرهای فرعی و معابر به سمت مرکز محله هدایت می شده است؛ به عبارتی در نگاه اول، مسجد محله‌ای به عنوان مرکز اصلی هر محله بیشترین دسترسی‌ها و تمرکز را برای شکل دهی به محلات داشته و تمامی برنامه‌ریزی‌ها در سازماندهی فضایی محلات بر محور مسجد هر محله اجرا می شده است. از طرفی حمام‌ها و سپس چشمه‌ها در کنار مساجد بیشترین تعامل را در سازماندهی محلات داشته‌اند. در بررسی ساختار فضایی محلات می توان گفت، اگرچه طراحی محلات به صورت طبیعی و فاقد هرگونه نقشه‌ای از پیش تعیین شده بوده است؛ با این حال، شعاع عملکردی هر یک از عناصر ساختاری محلات منطقی و به گونه‌ای بوده که تمامی افراد محل را پوشش می داده است؛ به طوری که هر محله، دروازه و حریم مشخص خود را داشته و آن را از محله‌های مجاور مجزا می کرده است. از طرفی کارکرد مساجد، حمام‌ها و چشمه‌ها، علاوه بر عملکرد اصلی خود، محلی جهت گردهم‌آیی‌هایی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده که در بیشتر مواقع کاربری‌های ثانویه و مهم یادشده هم‌راستا با کارکردهای اصلی، برای آن‌ها تعریف می شد؛ به همین دلیل مساجد، حمام‌ها و سپس چشمه‌ها به عنوان عناصر اصلی ساختار محلات همدان معرفی می شوند. این عناصر به ترتیب گفته شده، بیشترین فراوانی را در میان عناصر ساختار محلات به خود اختصاص می دادند. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که مراکز محلات همدان بیشتر به صورت خطی و سپس دایره‌ای شکل گرفته‌اند، این اشکال در راستای دسترسی به مرکز محلات، یعنی مساجد ایجاد شده‌اند؛ همچنین یکی از ویژگی‌های مهم محلات شهری در همدان، مکانی مربع، مستطیل، دوزنقه یا فاقد شکل هندسی مشخص به نام «چمن» است. چمن‌ها به عنوان فضایی با کارکردهای عمومی نقش مهم در تقویت حس مکان و ارتقاء روابط میان اهالی محل ایفا می کردند؛ چراکه از کهن‌ترین افراد محله تا کودکان از این اماکن جهت گذران اوقات فراغت خود و هم‌نشینی‌های محله‌ای استفاده می کردند (جدول ۲).

جدول ۲. سازماندهی فضایی محلات همدان (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ویژگی‌های ساختاری	سازمان فضایی محلات
دارای محور اصلی، هدایت از معابر و کوچه‌های اطراف به سمت مرکز محله	ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی
مسجد، حمام، مرکز محله، امامزاده	ایجاد نشانه‌های شهری
فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی	ترکیب عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی
مرکز محله، مسجد، حمام	عرضه عمومی به عنوان بستر روابط اجتماعی
جدا بودن محله از فضای عمومی تا فضای خصوصی و مرکز محله (مسجد) به عنوان قلب محله	سلسله مراتب فضایی
خطی و دایره‌ای	شکل مرکز محله
مربع، مستطیل یا دوزنقه و یا بدون شکل هندسی	شکل چمن
مسجد، حمام، امامزاده، مغازه‌ها، چشمه، چمن	عناصر اصلی محلات

پی‌نوشت

۱. راه زیرزمینی که چند خانه را به هم متصل می‌کرد.

کتابنامه

- آژنگ، نصرالله، (۱۳۸۷). «نام‌های کوچه‌ها، محله‌ها و خیابان‌های قدیمی همدان». فصلنامه فرهنگ و مردم، شماره ۲۶، صص: ۳۸-۴۶.

- ابراهیمی، پروین، (۱۳۸۲). سیمای میراث فرهنگی همدان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- اذکایی، پروین، (۱۳۸۰). بافت کهن شهر همدان، بیست گفتار دربارهٔ مادستان. همدان: نشر مادستان.
- اذکایی، پروین، (۱۳۸۷). «همدان در یک نگاه. فصلنامه فرهنگ مردم (ویژه‌نامه همدان)، سال ۷، شماره ۲۶، صص: ۲۱-۱۲.
- اسدالله، نقدی، (۱۳۹۵). «نقش سرمایه‌های اجتماعی در دل‌بستگی به مکان در محلات سنتی (نمونهٔ موردی: محلات شهر همدان)». مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۶، شماره ۱۸، صص: ۲۳-۵۰.
- باکینگهام، جیمز، (۱۳۸۰). «سفرنامه». ترجمهٔ منیژه اذکایی، در: همدان‌نامه (بیست گفتار دربارهٔ مادستان)، تألیف پروین اذکایی، همدان: نشر مادستان.
- بهمن، مهناز، (۱۳۸۲). علی‌اکبر دهخدا. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی مدرسه برهان.
- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۹۰). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دورهٔ قاجار. تهران: آرمانشهر.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷۱). معماری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ثابتی، الهه، (۱۳۸۴). «جستجوی معماری حمام در مینیاتور ایرانی». در: مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران: پژوهشکدهٔ مردم‌شناسی با همکاری اداره کل فرهنگی، صص: ۱۴۵-۱۸۵.
- جکسن، ویلیامز، (۱۳۶۹). سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال. تهران: خوارزمی.
- چریکف، (۱۳۷۹). سیاحت‌نامه مسیو چریکف. ترجمهٔ آبرکار مسیحی، به‌کوشش: علی اصغر عمران، تهران: امیرکبیر.
- خاکساری، علی؛ شکیبامنش، امیر؛ و مهشید قربانیان، (۱۳۸۵). محله‌های شهری در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رحمانی اسماعیل؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۷). «بازبایی هویت کالبدی بافت تاریخی شهر کنونی همدان بر اساس نقشه ۱۸۵۱ م. روس‌ها و عکس هوایی ۱۹۳۶ م. اشمیت». مجموعه مقالات کنگره استانی؛ چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش: اداره کل سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان همدان، ویراستار: خلیل‌الله بیک محمدی، همدان: چنار، صص: ۷۵-۹۲.
- رنجبران، محمدرحیم، (۱۳۹۰). «بازخوانی سرگذشت هگمتانه با استناد به منابع تاریخی و باستان‌شناسی». مجموعه مقالات همایش یک‌روزه باستان‌شناسی هگمتانه، به‌کوشش: یعقوب محمدی‌فر، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، صص: ۸۳-۹۸.
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۹۰). «ساختار کالبدی-فضایی شهر همدان از آغاز دورهٔ اسلامی تا پایان دورهٔ قاجار، بر اساس مدارک و شواهد موجود». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامهٔ باستان‌شناسی). شماره ۱. دوره ۱، صص: ۸۲-۵۷.
- سجادزاده، حسن؛ اردلان، مهسا؛ و مهدوی‌ضیاء، انیس، (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر تحولات ساختاری و توسعهٔ کالبدی شهر همدان با تأکید بر نقش دروازه‌ها و راه‌های شهری». مجموعه مقالات کنگره استانی؛ چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش: اداره کل سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان همدان، ویراستار: خلیل‌الله بیک محمدی، همدان: چنار، صص: ۴۰۸-۳۸۵.
- سلطانزاده، حسین، (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی ایران. چاپ ۲، تهران: امیرکبیر.
- سلطانزاده، حسین، (۱۳۸۵). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- سلطانزاده، حسین، (۱۳۹۳). بازارهای ایرانی. چاپ پنجم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صابری همدانی، احمد، (۱۳۸۱). تاریخ مفصل همدان. ۳ جلد، قم: شاکر.
- صحنی زاده، مهشید؛ و ایزدی، محمدسعید، (۱۳۸۰). «شالوده شهر، از فضاهاى عمومى تا عرصه‌هاى خصوصى باززنده‌سازى میان شالوده‌هاى شهرى در همدان». هفت شهر، دوره ۱، شماره ۴، صص: ۱۳۹-۱۳۱.
- طرح محور فرهنگی - تاریخی شهر همدان، (۱۳۷۱). مهندسين مشاور توسعه گستر، همدان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- ظهیرالدوله، علی بن ناصرخان قاجار، (۱۳۶۷). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: زرین.
- علیتاجر، سعید؛ صحرایی، مینا، (۱۳۹۶). «تحلیل مفهوم انسجام ساختار فضایی در محله‌های تاریخی با روش نحو فضا (نمونه موردی: محله‌های تاریخی شهر همدان)». دوره ۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۷، پاییز و زمستان، صص: ۲۰۵-۲۱۹.
- غلامی، مریم، (۱۳۹۱). «طراحی مرکز محله در بافت تاریخی همدان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهیدبهشتی (منتشر نشده).
- فرشچیان، امیرحسین؛ و بلالی اسکویی، آریتا، (۱۳۹۴). «نمود هندسه بر سیر تکامل شهر ایرانی در ادوار مختلف شهرسازی (مطالعه موردی: شهر همدان)». فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص: ۶۷-۵۳.
- فلامکی، منصور، (۱۳۶۵). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
- قدکچیان، اسماعیل، (۱۳۷۶). «طرح مقدماتی از نقشه تاریخی محلات در زندگی شهری مردم همدان». فصلنامه فرهنگ همدان، شماره ۳۲.
- قدکچیان، اسماعیل، (۱۳۸۷). «درآمدی بر نقش تاریخی محلات». فصلنامه فرهنگ مردم (ویژه‌نامه همدان)، سال ۷، شماره ۳۶، صص: ۳۷-۲۲.
- کرزن، جرج لرد، (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گروته، هوگو، (۱۳۶۹). سفرنامه. ترجمه محمد جلیوند، تهران: نشر مرکز.
- مترجم، عباس، (۱۳۸۳). «گزارش کاوش لایه‌نگاری تپه پیسا همدان». همدان: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- مترجم، عباس، (۱۳۸۹). «گزارش فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناسی تپه پیسا همدان». همدان: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- محمدی فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، (۱۳۸۳). «گزارش فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناسی تپه پیسا همدان». همدان: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- مطراقچی، نصح، (۱۳۷۹). در بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان. ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مهریار، محمد؛ فخارتهرانی، فرهاد؛ و قدیری، بهرام، (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجاریه. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- موریه، جیمز، (۱۳۶۲). سفرنامه جیمز موریه. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نفیسی، علی‌اکبر، (۱۳۸۲). فرهنگ ناظم‌الاطبا. جلد اول، مقدمه، تهران.
- هالینگبری، ویلیام، (۱۳۶۳). روزنامه سفر هیأت سرجان ملکم به دربار ایران. ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران: کتابسرا.